

لکزیکون ۲

دائرة المعارف آهنگسازان، نوازندگان، سازندگان ساز
و خوانندگان مطرح در جهان



بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

حسن زند باف

سرشناسه	: زندیاف، حسن، ۱۳۱۹
عنوان و نام پدیدآور	: لکزیکون ۲- دائرةالمعارف آهنگسازان، نوازندگان، سازندگان ساز و خوانندگان مطرح در جهان/ نویسنده حسن زندیاف
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۷۷۰ ص
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۳۱ - ۹۲۴ - ۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: دائرةالمعارف آهنگسازان، نوازندگان، سازندگان ساز و خوانندگان مطرح
موضوع	: فرهنگ لغت تشریحی موسیقی (لکزیکون)
موضوع	: موسیقی - دائرةالمعارف‌ها Music- Encyclopedias
رده‌بندی کنگره	: ML ۱۰۰
رده‌بندی دیویی	: ۳ / ۷۸۰
شماره کتابخانه ملی	: ۷۳۵۲۵۵۴



لکزیکون ۲

دائرةالمعارف آهنگسازان، نوازندگان، سازندگان ساز و خوانندگان مطرح در جهان

مؤلف: حسن زندیاف

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ صدف: ۵۰۰ نسخه

۱۸۰,۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

پیش سخن

اصل برداشت این کتاب از لکزیکون «اولشتاین» است، حتا جلد اول هم، کلمه «لکزیکون» به معنای دائرةالمعارف موسیقی است که کتاب‌های بسیاری در موارد خاص تحت عنوان لکزیکون عرضه شده است. جلد اول کتاب بنام «فرهنگ لغت تشریحی» در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسید و حال جلد دوم این کتاب برای چاپ آماده شده که مشخصه دائرةالمعارف بطور تخصصی در مورد موسیقی را به اثبات می‌رساند.

جلد اول این کتاب شامل لغات موسیقی از ابتدا تا زمان حال به زبان‌های مختلف لاتین، فرانسه، ایتالیایی، آلمانی و... است که فرهنگ لغت تشریحی می‌توانست گویای متن کتاب باشد. اما باید اشاره شود که جلد دوم شامل آهنگسازان، نوازندگان، خوانندگان، سازندگان ساز و خوانندگان مطرح جهانی است که نمی‌شود از فرهنگ لغت تشریحی استفاده کرد.

در مورد این دائرةالمعارف: این کتاب در موارد لغات و شخصیت‌های تاثیرگذار موسیقی جهان بسیار فشرده نوشته شده است. نوشته‌های لکزیکون غرب در انواع مختلف است، برای نمونه لکزیکون بتهوون در یک جلد: او چگونه به موسیقی پرداخت، اصل مطلب است اما با حاشیه: چگونه گذراند، ماجرای زندگی و... که شامل یک جلد کتاب شاید بالای ۵۰۰ صفحه باشد. چنانچه اگر به کتابخانه‌های معتبر رجوع شود، از این دست لکزیکون به وفور دیده می‌شود: لکزیکون هایدن، لکزیکون باخ و... اما این کتاب از اضافات نوشتاری بدور است. ناگفته نماند که از قرن ۲۰ به بعد، حتا کلمات گفتاری هم به خاطر صرفه‌جویی از مصرف انرژی، بسیار فشرده در زبان جاری می‌شود. چنانچه موسیقی قرن ۲۰ هم بسیاری از آهنگسازان ایده خود را در چند میزان - چند ثانیه و یا دقیقه - در موسیقی اظهار داشتند نمونه «وپر». به همین دلیل اشاره من در اصل فشرده‌گی این کتاب است.

مطلب دیگر: باید اشاره داشته باشم که بعضی از شخصیت‌های نوشته نشده که البته تعداد آنها خیلی کم است (۱۰ تا ۱۲ مورد). به این دلیل: فلان خواننده آموزش آواز دید و در سالن‌های مختلف اجرا داشت. به نظر من عمل او تأثیری در آموزش تاریخی برای سرزمین ما نخواهد گذارد، به همین دلیل صرف نظر کردم.

مسئله‌های دیگر: گاهی انتقاداتی دریافت می‌کنم که وابسته به موسیقی غرب هستم و از موسیقی خودمان بدور می‌باشم. به همین دلیل موظفم که به‌طور فشرده اشاره‌ای داشته باشم. من با موسیقی خودمان تا حد موجود کار کردم و آشنا هستم، اما با آموزش موسیقی علمی متوجه اشتباهات موسیقی خودمان شدم. آنچه که آموختم خواستم که جلودار آموزش نادرست خطاها برای سرزمینمان باشم. چرا که فکر می‌کنم با توجه به اوج گیری موسیقی در سرزمینمان، همچنان این فرهنگ تأثیرگذار با اشتباهات خود می‌تازد و به‌خصوص تحت تأثیر آدم‌های بی‌فرهنگی که از ایرانمان فرار کردند، بعضی‌ها به‌خاطر شهرت کاذب گذشته، موسیقی بی‌محتوای خود را به‌خصوص از طریق «فضای مجازی» به سرزمینمان تحمیل می‌کنند. حتی شرم نمی‌کنند و می‌گویند «ما باید ایرانمان را نجات دهیم». بطور قطع آنها با این تفکر عقب مانده خود موفق می‌شوند، اگر ما غافل باشیم. به‌همین دلیل در بسیاری از نوشته‌هایم نه تنها اشاره کردم، بلکه فریاد زدم عزیزانم مواظب باشید. باری کوتاه به دو مسئله موسیقی اشاره می‌کنم:

موسیقی بر اساس دو بخش در غرب ساخته می‌شود: زیربنای این فرهنگ تأثیرگذار همراه با محاسبات ریاضی، فیزیک و شیمی، دو دیگر احساس سازنده. به‌همین دلیل اگر از یک موسیقی به پسندمان نیامد، تأثیر از زیربنا نیست، بلکه از احساس است، زیرا زیربنا برای تمام جهان با تحقیق قطعی است. اما موسیقی در کشورهای آسیائی، آفریقا و... فقط با احساس بدون زیربنای علمی عرضه می‌شود. باید دانست که احساس انسانی هر لحظه تغییر می‌کند. یک نمونه ساده: نی این وسیله در موسیقی ما به‌طور معمول عهده‌دار ایده اصلی به کار گرفته می‌شود. این وسیله یک ساز موسیقی نیست، زیرا تمام اصواتی که تولید می‌کند، تقریبی است و این اصوات تأثیر نادرست را به جامعه تحمیل می‌کند. به همین دلیل من با موسیقی دنیای غرب وابسته شدم، تا بتوانم جلودار این نوع خطرات در جامعه باشم، حتی اگر گناهی کرده باشم، پذیرا هستم.

به نظر من: کتاب‌های متعددی از من به چاپ رسیده و در آن کتاب‌ها هم اشاره داشتم که یا ضعف من در نوشتاری است و یا اینکه عدم شناخت ما نسبت به مطلب فرهنگ پیشرفته موسیقی جهانی. پس مجدداً خواهش می‌کنم که ضعف نوشتاری مرا به رخ نکشید و دریافت منطقی کتاب‌ها را برای پیشبرد مقاصد این فرهنگ پیچیده تأثیرگذار جویا باشیم. امید به جوانان دست اندر کار فرهنگ موسیقی دارم.

دو دیگر: چند کلمه به محل تولد یا مرگ به کار آمده که من نمی‌دانم شهر است، محل است و یا؟ البته کوشش داشتم برای جلودار بودن عدم شناخت، تا حد امکان در بایم برای نمونه ریگا. نمی‌دانستم کجاست تا اینکه دریافتیم پایتخت لیتونی می‌باشد. حتی گاهی زمان تولد و یا

مرگ هم اشاره نشده، زیرا شخص یا زنده است و یا تاریخ مشخصی برای تولد و یا مرگ ثبت نشده است.

اشاره به چند لغت در کتاب: اپرا مثل بازیگری در تئاتر است که فقط به جای دیالوگ در تئاتر، آواز می‌خواند به همین دلیل کار تئاتر گفته می‌شود. چلو = ویولنسل. «شولا کانتروم» مدرسه موسیقی در پاریس است. مهمتر علامت «فلش ←» است که در کنار بعضی از اسامی قرار دارد و در جلد اول هم به کار برده شد، به این معنا: به این لغت و یا اسم رجوع شود. مهمتر از اینها، ترجمه اسامی و یا محل است. من با زبان آلمانی آشنا هستم. آنچه که در آلمانی نوشته می‌شود، همانطور خوانده می‌شود، منهای استثنائات. اما ترجمه به خصوص اسامی اشخاص در این کتاب شامل مناطق مختلف است که حروف زیادی به کار برده شده، ولی تلفظ نمی‌شود: فرانسه، انگلیسی و... حال کوشش من بر آن بود که از حروف آ. ا. ا. بهره برده و امید دارم که تا حدودی درست ترجمه کرده باشم. چرا که ممکن است شخصی آشنا با زبان ایتالیا، فرانسه و... باشد و جلوی من و ترجمه در کتاب علامت سؤال بگذارد. پس خواهش می‌کنم تلاش مرا تصحیح کرده و مرا از اتهام نادانستن مبرا کنید.

کلام آخر: بایستی اظهار داشته باشم که شاکر ناشر خود (آرون) هستم، چرا که با صمیمیت و صداقت در این شرایط وانفسای کتاب‌ناخوانی، زمان و سرمایه خود را در این راه بکار می‌برد. روشن نیست که آیا این چنین کتاب‌هایی جوابگوی مالی‌اش خواهد بود؟ همینطور سرکار خانم سهیلا خواجه‌دهی که در حروفچینی، بازخوانی و صفحه‌بندی کتاب با حوصله و دقت کتاب را به سرانجام رساند. از آن گذشته همسرم که به مدت سه سال بدون هیچ توقعی در کنار من و پذیرای من بود.

ح. زندیاف

پسرش یوزف ۱۷۰۹-۱۸۰۵ نوازنده چلو در کاپله قصرین و رهبر موسیقی مجلسی بود. حدود سال ۱۷۶۰ او به ورونا برگشت و ۲۹ سونات برای چلو آهنگسازی کرد.

آبادو، کلاودیو.

Abbado, Claudio

تولد میلان ۲۶/۶/۱۹۳۳

او رهبر ارکستر میلان و از جوانان با استعدادی است که حتا او را با «توسکانینی» مقایسه می‌کنند. او به‌عنوان رهبر ارکستر سال ۱۹۶۱ تا ۶۲ در فستیوال وین، ۱۹۶۵ سالزبورگ، ۱۹۶۸ ارکستر برلین را رهبری کرد. او جوایز رهبری بسیاری از جمله جایزه متروپولوس را گرفت.

خانواده ابل.

Abel

Clamor Heinrich (A) (کلامه)

هاینریش). تولد وست فالن ۱۶۶۵. او برای موسیقی به هانور آمد. سال ۱۶۷۴ تا ۷۷ یک مجموعه سونات مجلسی ساخت.

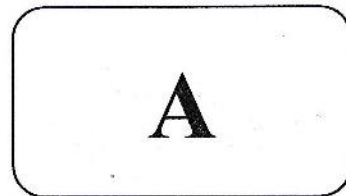
Christian Ferdinand (A) (کریستیان

فردینانت) ۱۷۱۵-۱۷۳۷. او در کنار باخ به‌عنوان نوازنده چلو و سازگامبه در کوتن بود.

حدس زده می‌شود که باخ معروف‌ترین سونیت برای «ویولا داگامبا» و یا ویولنسل تنها را برای او نوشت. حتا سه فرزند او را به‌عنوان ناپدیری قبول کرد که دو پسر شغل پدر را دنبال کردند.

Leopold August (A) (لوپولد آگوست)

تولد کوتن ۲۴/۳/۱۷۱۸. - مرگ لندن ۱۷۹۷/۱۸/۲۵. او شاگرد اف بندا (F. Benda) شد و کنسرت مایستر در لودویگ لوست گردید. دو پسر او هم شغل پدر را دنبال کردند.



آباکو، اوآریستو فلیس دآل. Abaco,

Evaristo Felice dall

تولد ورونا ۱۲/۷/۱۶۷۵ - مرگ مونیخ

۱۲/۷/۱۷۴۲.

او فرزند یک حقوقدان بود، سال ۱۶۹۶ به شهر مَدنا رفت و بعد به‌عنوان نوازنده چلو در قصر مونیخ مشغول شد. بعد از شکست اسپانیا او همراه با شاهزاده ماکس امانوئل به تبعید بروکسل رفت و در آنجا با موسیقی فرانسه هماهنگ گردید. بعد از برگشت شاهزاده، او به مونیخ برگشت و در آنجا کنسرت مایستر قصر شد.

آثار او اسنادی است از اواخر باروک و موسیقی برای سازهای ایتالیایی. آهنگسازی او سونات ویولن و کنسرتو، موسیقی کلیسا، سونات ارکستر مجلسی و سرانجام موسیقی برای سازها است.



دومین جمله کنسرتو پیانو اپوس ۶ سال ۱۷۳۵

بعد از جنگ یعنی سال ۱۹۴۵ هم به‌عنوان میهمان در شوروی و به‌عنوان رهبر هنر پُر انرژی آلمانی، رهبری ارکستر را به‌عهده گرفت.



هرمن آبندرت

آبندرت، والتر.

Abendroth, Walter

تولد هاننور ۲۹/۵/۱۸۹۶ - مرگ هاس هام

۳۰/۹/۱۹۷۳

او دانشجوی موسیقی در مونیخ شد و از سال ۱۹۲۵ منتقد موزیک در هامبورگ، کلن و از سال ۲۹ تا ۳۴ کتاب تئوری موسیقی را در روزنامه منتشر کرد. از سال ۴۵ به بعد در روزنامه هفتگی همان زمان مشغول و به‌عنوان گزارشگر در مونیخ گردید.

او بیوگرافی درستی را از فیتسنر سال ۱۹۳۵ منتشر ساخت. کتاب‌های دیگر او: موسیقی آلمان در سال ۱۹۳۷، چگونگی موسیقی سال ۴۹، استاد بزرگ سال ۵۲، مرگ موسیقی ۶۳، داستان کوتاه موسیقی سال ۴۴ است. آهنگسازی‌های او: لید، موسیقی مجلسی و سنفونی، به‌خصوص ۵ سنفونی بزرگ و کنسرت برای ارکستر.

Carl Friedrich (A). (کارل فریدریش)

تولد کوتن ۲۲/۱۲/۱۷۲۳ - مرگ لندن ۲۶/۶/۱۷۸۷. او برادر لئوپولد بود و در لندن زندگی می‌کرد و بعد در لایپزیگ شاگرد باخ شد. او آخرین نوازنده گامبه از این خانواده بود و سال ۱۷۵۹ از درسدن به لندن رفت.

از ژانویه ۱۷۶۵ او با جوان‌ترین پسر باخ (J.ch.Bach) کنسرت باخ - ایل را ترتیب داد که تا این زمان با ارزش‌ترین شرایط کنسرت را در برداشت. او سال ۱۷۷۵ در یک سالن خصوصی در هاننور کنسرت برگزار کرد که بیش از صدها جوان از آن بهره بردند.

از آن به بعد دیگر کنسرت نداد، زیرا باخ جوان در سال ۱۷۸۲ فوت کرد. او حتی یک بار دیگر شانس خود را در آلمان و پاریس آزمود، ولی سال ۱۷۸۵ مجدداً به لندن برگشت. سنفونی و موسیقی مجلسی او در استیل مکتب مانهایم بود. موتسارت هم با تأثیرپذیری از کار او سنفونی **Mib** ماژور را نوشت.

آبندرت، هرمان.

Abendroth, Hermann

تولد فرانکفورت ۱۹/۱/۱۸۸۳ - مرگ ینا

۲۹/۵/۱۹۵۶

او کتابفروش بود و در مونیخ شاگرد موسیقی **L.Thuille** → شد که رهبر ارکستر بود. او از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ به‌عنوان الگو در شهر لوبک ارکستر را رهبری کرد و از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۵ در شهراسین و بعد استاد در کنسرواتوار کلن گردید. از سال ۱۹۱۸ در لایپزیگ رهبر کاپله «سالن گواند» شد و بعد از جنگ جهانی دوم در فرستنده وایمار در برلین شرق رهبر ارکستر گردید.

آبر، آدولف.

Aber, Adolf

تولد آپولدا ۲۸/۱/۱۸۹۳ - مرگ لندن ۲۱/۵/۱۹۶۰
 او ابتدا در برلین نزد "ولف و کرچمار" آموزش موسیقی دید، بعد آسیستان گردید. او از سال ۱۹۱۹ تا ۳۳ به عنوان یک منتقد جنجالی مطرح شد. در سال ۱۹۳۶ مسئول نشر Peters & Hinrichsen در لندن گردید. او مطالب با ارزشی را در مورد موسیقی آلمان و انگلیس در مجله و روزنامه منتشر کرد.

آبرت، آنا آمالی.

Abert, Anna Amalie

تولد هاله ۱۹/۹/۱۹۰۶.
 او دختر موزیسین قبلی و آموزش را نزد پدر در برلین دید و سال ۱۹۵۰ پروفسور در دانشگاه شهرکیل گردید. اعتبار کاری او حمایت از «مونتته وردی» و تاریخ اِپرا است.

آبرت، هِرمن.

Abert, Hermann

تولد اشتوتگارت ۲۵/۳/۱۸۷۱ - مرگ اشتوتگارت ۱۳/۸/۱۹۲۷.
 او پسر رهبر ارکستر در اشتوتگارت بود و به عنوان آهنگساز سنفونی و اپرا مطرح شد. او همچنان فلسفه و دانش موسیقی را در شهر توپینگن و برلین آموخت و تأثیر در لایپزیگ و برلین گذارد. مهمترین اثر او بیوگرافی موتسارت در دو جلد است. از آن گذشته «لکزیکون» مصور سال ۱۹۲۷ از آثار دیگر اوست.

آبرآهام، جرالِد.

Abraham, Gerald

تولد جزیره نیویُرت ۹/۳/۱۹۰۴.
 او خود آموز بود و سال ۱۹۳۵ در رادیو انگلیس مشغول به کار گردید. از سال ۱۹۴۷ پروفسور تاریخ موسیقی در دانشگاه لیورپول شد. او بهترین شناخت موسیقی روز را در کارنامه خود دارد.

آبراهام، پال.

Abraham, Paul

تولد مجارستان ۲/۱۱/۱۸۹۲ - مرگ هامبورگ ۶/۵/۱۹۶۰
 او در دانشگاه موسیقی بوداپست به تحصیل پرداخت. ابتدا موسیقی مجلسی و سنفونی ساخت، ولی با ۳۶ اپرت خود موفقیت بزرگی به دست آورد: ویکتوریا و هور از سال ۱۹۳۰، گل‌های هاوایی و غیره. او سال ۱۹۳۳ به آمریکا مهاجرت کرد و برای فیلم‌های زیادی موسیقی ساخت. از سال ۱۹۵۶ مجدداً به آلمان برگشت.

آبراهامزن، اِریک.

Abrahamsen, Erik

تولد چتِلند ۹/۴/۱۸۹۳ - مرگ کپنهاگ ۱۷/۲/۱۹۴۹.
 او در کنسرواتوار و دانشگاه کپنهاگ آموزش موسیقی خود را شروع کرد. سال ۱۹۲۳ در همان جا تدریس خود را با دانش موسیقی آغازید. اعتبار کاری او تاریخ موسیقی دانمارک است.

آبراوآینل، مَاریس.

Abrevanel, Mauric

تولد سالونیک ۶/۱/۱۹۰۳

آدام، تئو.

Adam, Theo

تولد درسدن ۱/۸/۱۹۲۶.

او بچه بود که در کر درسدن می خواند. بعد از تعلیم آواز در سال ۱۹۴۹ به عنوان خواننده باس در اپرای درسدن انتخاب شد. از سال ۱۹۵۷ همزمان در درسدن، برلین و فرانکفورت مشغول به کار گردید. برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ در بایروت خوانندگی کرد و در سال ۱۹۶۱ در شهر درسدن روزن کوالیر را خواند.

در ۱۹۱۱ او در «لریشناو» کار خود را با موفقیت انجام داد. او همچنان به عنوان میهمان در فستیوال سالزبورگ دعوت می شد که بسیاری از کار صفحه ای او در بازار است.



تئو، آدام

آدام دِ لا هال. Adam de la Halle.

تولد آراز حدود ۱۲۳۷ - مرگ ناپل ۱۲۸۷.

او یک شخصیت مورد توجه زمان «تراپادورها» است که آثار او برجسته تر از دیگران بود. او مدتی دور از سرزمین پدری اش گذران کرد و بعد به همراه یک شخصیت به ناپل رفت. در آنجا یک قطعه لید نوشت که بعداً سال ۱۹۴۹ توسط «میلهاد» روی آن کار شد. آثار دیگر او لید موت و رونو است.

آموزش موسیقی در آلمان و در شهرهای سویکا، آلتنبورگ و کاسل دید. بعدها به عنوان میهمان در اپرای برلین به رهبری مشغول گردید از سال ۱۹۳۶ به عنوان رهبر و معلم در آمریکا است.

آبت، فرانس.

Abt, Franz

تولد آیلن بورگ ۲۲/۱۲/۱۸۱۹ - مرگ ویسبادن ۳۱/۳/۱۸۸۵.

او ابتدا شاگرد توماس و بعد رهبر ارکستر در زوریخ و برانشویگ شد. آثار لید و کرال های او: زمانی که پرستوها به خانه برمی گردند، شب بخیر بچه های من که به شهرت رسید. البته امروزه کمتر مورد توجه است.

آدام، آدولف.

Adam, Adolphe

تولد پاریس ۲۴/۷/۱۸۰۳ - مرگ پاریس ۲/۵/۱۸۵۶.

او از تبار آلمانی بود و در کنسرواتوار فرانسه شاگرد موسیقی F.A. Boieldieu → شد. از ۵۳ آثار صحنه ای او: اپرای دو بازی نیش دار، اگر من شاه شوم سال ۱۸۵۲ و بالت گیزل که امروزه یکی از برنامه های دائمی بالرین ها شده است.



ادولف، آدام

لکریکون ۳ دانگه انمعارف
اننگسازان و نوازنگین و
اننشارات بارت
۱.۸۰۰.۰۰۰ ریال
۷۴۰۵۶۳۷



www.arvannashr.ir

خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین
خیابان نظری. پلاک ۱۰۵ واحد ۳
تلفن: ۵۱-۶۶۹۶۲۸۵۰